

## پرسش ۲۸۷: چگونه می‌توانم از صدق خروج وی مطمئن‌گردم؟ سفیران و رسولان او کجایند؟

السؤال / ۲۸۷: السلام عليكم ورحمة الله

جاءني إثنان من أصدقائي وكلموني عن موضوع اليماني المزعوم في هذا الموضوع، وعجبتني كلامهم بما إن كلامهم مقوى بأحاديث من أهل البيت.

السلام عليكم ورحمة الله و بركاته

دو تا از دوستانم نزد من آمدند و درباره‌ی موضوع یمانی مورد ادعا با من صحبت کردند. من از این که می‌دیدم آنها با پشتوانه‌ی احادیثی از اهل بیت (ع) سخن می‌گویند، متعجب شدم.

لكن سؤالي الذي أطرحة هو أين سفراء هذا الشخص؟ وكيف أتيقن من صدق خروجه؟ وما الدليل على أن موضوعكم ليس فتنة تضيعون فيها الخلق وتزعزعون الإيمان من قلوبهم؟

ولی سوالی که اینجا مطرح می‌کنم این است که سفیران و رسولان این شخص کجایند؟ و من چگونه می‌توانم از صدق خروج وی مطمئن‌گردم و به یقین برسم؟ و چه دلیلی دارید بر این که قضیه‌ی شما فتنه‌ای نیست که بخواهید با آن خلائق را تباه سازید و ایمان را در دل‌های آنها متزلزل نمایید؟

قالوا أهل البيت الأمان الأمان من فتن آخر الزمان فما دليل صدق حضراتكم؟ من السهل جداً أن يكون هذا موقع وهابي يريد إبعاد قلوب الشيعة عن المراجع الكرام وبث الكراهية تجاههم. أريد دليل لكي يطمئن قلبي كما طلب النبي إبراهيم من ربه. أريد أن أسال بعض الأسئلة التي لا يجيبها (إلا) وصي أو مهدي فهل من يجيبني؟

المرسل: Hamed Al-Hussaini

اهل بيت گفته اند امان امان از فتنه های آخرالزمان، بنابراین دلیل راستی و درستی شما حضرات چیست؟ این سایت، به راحتی می تواند یک سایت وهابی باشد که بخواهد دل های شیعیان را از مراجع بزرگوار، دور و پراکنده سازد و نسبت به آنها نفرت و بی میلی برانگیزد. دلیلی می خواهم که دلم با آن آرام یابد همان طور که ابراهیم پیامبر از پروردگارش چنین درخواستی نمود. می خواهم چند سوال بپرسم که «به جز» وصی یا مهدی کسی نمی تواند به آن پاسخ دهد. آیا کسی هست که به من جواب دهد؟

فرستنده: Hamed Al-Hussaini

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.**  
**السلام عليكم ورحمة الله وبركاته**

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آله  
الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

أما بعد ... بالنسبة إلى دعوة السيد أحمد الحسن فهي مشهورة  
ومعروفة وخصوصاً في العراق، وقد مضى عليها ست سنوات تقريباً  
وكانت له مكاتب وحسينيات في أغلب محافظات العراق، ولكن بعد جريمة  
حكومة بني العباس في العام السابق لم يتركوا حسينية أو مكتباً لم  
يحرقوه ويهدموه، وأصبح الأنصار بين مشرد ومسجون وشهيد مقتول،  
وكان السيد أحمد الحسن يلتقي بالناس علناً ويدور على محافظات  
العراق، وله مئات الأنصار المشهود بوثاقتهم من العدو والصديق، فهو  
ليس مجهول الوجود كما قد يخيل إليك، وبإمكانك مراسلته أو مراسلة

أنصاره وممثليه على الموقع الرسمي أو على منتدى أنصار الإمام المهدي (ع)، ونحن بالخدمة في تقديم أي تبين أو توضيح.

اما بعد.... دعوت سيد احمد الحسن مشهور و شناخته شده است، به ویژه در عراق. اکنون تقریباً شش سال است که از زمان آغاز این دعوت می گذرد. ایشان در بیشتر استان های عراق، دفاتر و حسینیه های داشت ولی پس از جنایت دولت بنی عباس در سال گذشته، تمام حسینیه ها یا دفاتر را بدون استثنا به آتش کشیدند و ویران ساختند. انصار هم یا آواره شدند یا به زندان افتادند و یا کشته شدند و به شهادت رسیدند. قبلاً سيد احمد الحسن به طور علنی با مردم دیدار می کرد و در استان های عراق گردش می نمود. ایشان صدها انصاری دارد که دوست و دشمن بر وثاقت آنها شهادت می دادند، لذا برخلاف آنچه گمان کرده ای، وی ناشناس و مجهول نیست. شما می توانید از طریق سایت رسمی یا در تالار گفت و گوی انصار امام مهدی (ع) با ایشان یا با انصار و نمایندگان مکاتبه داشته باشی. ما هم برای ارائه ی هر شرح و توضیحی در خدمت حاضریم.

وأما بالنسبة للفتنة التي احتملتها في سؤالك، فهي مردودة بما دعا إليه السيد أحمد الحسن من هدى قد نكب عنه فقهاء آخر الزمان، فدعوة السيد أحمد الحسن كدعوة أجداده الأبطال مؤيدة بالقرآن والسنة الطاهرة، فهو يدعو إلى الإمام المهدي (ع) وإلى كتاب الله تعالى دستوراً ومنهجاً ويدعو إلى نبذ حاكمية الناس (ديمقراطية أمريكا) وإلى مجاهدة الكفار الحربيين، وقد جاء بما عجز عن رده كل العلماء، ويمكنك مطالعة ودراسة أدلته المسطرة في إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع) وهي موجودة على موقع أنصار الإمام المهدي (ع)، مثل كتاب (البلاغ المبين)، وكتاب (الوصية والوصي)، وكتاب (اليمني الموعود حجة الله)، وغيرها عشرات الكتب.

فتنه‌ای که در سوالت از احتمال وقوع آن سخن گفته‌ای، مردود است زیرا سید احمد الحسن به سوی هدایتی که فقهای آخرالزمان از آن عدول کرده‌اند دعوت نموده است. دعوت سید احمد الحسن مانند دعوت اجداد طاهرش، با قرآن و سنت پاک تایید شده است. او با گفتار و کردار به سوی امام مهدی (ع) و به کتاب خدای متعال دعوت می‌کند و به کنار گذاشتن حاکمیت مردم (دموکراسی آمریکایی) و جهاد با کفار حربی فرامی‌خواند. ایشان چیزهایی ارایه کرده است که تمام علما از پاسخ‌گویی به آنها ناتوانند. شما می‌توانید ادله‌ی ایشان را که در انتشارات انصار امام مهدی (ع) نگاشته شده است، مطالعه و بررسی نمایی. این کتاب‌ها در سایت انصار امام مهدی (ع) مثل کتاب‌های «بلاغ مبین» و «وصیت و وصی» و «یمانی موعود، حجت الله» و ده‌ها کتاب دیگر در دسترس است.

**والفتنة هي مخالفة الثقلين (القرآن والعتره)، ويمكنك أن تعرف بنفسك على الذي خالف القرآن والعتره هل هو السيد أحمد الحسن أم فقهاء آخر الزمان!؟**

فتنه عبارت است از مخالفت با ثقلین (قرآن و عترت) و شما خودتان می‌توانید تشخیص دهید که چه کسی با قرآن و عترت مخالفت ورزیده است؛ سید احمد الحسن یا فقهای آخرالزمان!؟

ثم إن الله تعالى هو المفزع عند الحيرة والفتنة فارجع إلى الله تعالى، والطرق إلى الله بعدد أنفاس الخلائق، وهو سبحانه لا يخيب من قصده ولا يضل من استهداه ولا يرد سائله، تعالى عما يصف الظالمون علواً كبيراً، وهذا هو ما علمنا عليه السيد أحمد الحسن، فهو دائماً يقول: إن يهديكم الله تعالى فلا مضل لكم، وإن تَقصروا الهداية على مخلوق أو على أحمد الحسن فقد يضلكم أيضاً غير أحمد الحسن.

علاوه بر این به هنگام سرگشتگی و فتنه، خداوند متعال پناهگاه و ملجأ است؛ به سوی حق تعالی بازگرد که به تعداد خلائق، به سوی خدا راه وجود دارد، و او روآوردگان به سویش را ناامید نمی‌سازد و کسی که از او راهنمایی خواهد را بی‌راه وانمی‌گذارد و خواهنده‌اش را ردّ نمی‌کند؛ تعالی عما یصف الظالمون علواً کبیراً (خداوند از آنچه ظالمان وصف می‌کنند بسیار بلندمرتبه‌تر است). این چیزی است که سید احمد الحسن به ما آموخته است؛ ایشان به طور مرتب می‌گویند: اگر خدای تعالی شما را هدایت کند، گمراه کننده‌ای برای شما وجود نخواهد داشت و اگر برای هدایت بر خلق یا احمد الحسن اکتفا کنید، غیر از احمد الحسن نیز شما را گمراه خواهد نمود.

**قال تعالی: (وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ) [626].**

حق تعالی می‌فرماید: « هر کس را که خدا راهنمایی کند، گمراه کننده ای نیست، آیا خدا پیروزمند و انتقام گیرنده نیست؟! » [627].

**ونعود بالله تعالی من فتن آخر الزمان التي وصفها أهل البيت (ع) بأنها كقطع الليل المظلم، وقد بین الرسول (ص) المخرج من هكذا فتن في الرواية الآتية:**

از فتنه‌های آخرالزمان به خدای تعالی پناه می‌بریم؛ همان فتنه‌هایی که اهل بیت (ع) آن را به صورت پاره‌های شب تاریک توصیف فرموده‌اند. پیامبر خدا (ص) برون رفت از این فتنه‌ها را در روایت زیر تبیین فرموده است:

**عن أبي عبد الله، عن آبائه (ع) ، قال: قال رسول الله (ص): (أيها الناس، إنكم في دار هدنة وأنتم على ظهر سفر والسير بكم سريع وقد**

رأيتم الليل والنهار والشمس والقمر يبليان كل جديد ويقربان كل بعيد  
ويأتیان بكل موعود، فأعدوا الجهاز لبعد المجاز، قال: فقام المقداد بن  
الأسود، فقال: يا رسول الله، وما دار الهدنة؟ قال: دار بلاغ وانقطاع،  
فإذا التبتت عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن فإنه شافع  
مشفع وماحل مصدق، ومن جعله أمامه قاده إلى الجنة ومن جعله خلفه  
ساقه إلى النار، وهو الدليل يدل على خير سبيل وهو كتاب فيه تفصيل  
وبيان وتحصيل، وهو الفصل ليس بالهزل وله ظهر وبطن فظاهره حكم  
وباطنه علم، ظاهره أنيق وباطنه عميق، له نجوم وعلى نجومه نجوم، لا  
تحصى عجائبه ولا تبلى غرائب، فيه مصابيح الهدى ومنار الحكمة ودليل  
على المعرفة، لمن عرف الصفة فليجل جال بصره وليبلغ الصفة نظره،  
ينج من عطب ويتخلص من نشب فإن التفكير حياة قلب البصير، كما  
يمشي المستتير في الظلمات بالنور، فعليكم بحسن التخلص وقلة  
التربص) ([628]).

از ابو عبدالله (ع) از پدرانش (ع) نقل شده است که فرمود: پیامبر خدا (ص) فرمود:  
«ای مردم! شما در خانه‌ی کم دوام و موقتی هستید و در انتظار سفری که به زودی  
خواهید داشت. می‌بینید که شب و روز و چرخش آفتاب و ماه هر تازه‌ای را که‌نه می‌کند  
و هر دوری را نزدیک می‌سازد و هر وعده‌ای را وفا می‌نماید. پس توشه و زاد را آماده  
سازید که راه بس طولانی است. امام صادق (ع) فرمود: در این هنگام مقداد بن اسود  
برخاست و عرض کرد ای رسول خدا! خانه‌ی کم دوام (هدنة) چیست؟ پس آن حضرت  
فرمود: خانه‌ای است که گذرگاه آخرت است و همه از آن جدا خواهند شد. پس اگر  
فتنه‌ها همانند پاره‌های شب تار شما را فرا گرفت، بر شما باد که به قرآن پناه برید که  
شفاعت آن پذیرفته شده است و شکایتش مورد قبول واقع می‌گردد. کسی که آن را  
رهبرش قرار دهد، به بهشتش خواهد برد و آن که جلوتر از قرآن حرکت کند و آن را  
پشت سر خود قرار دهد، به دوزخش اندازد. قرآن راهنمایی است که به بهترین راه  
رهبری می‌کند و کتابی است که تفصیل معارف و بیان حقایق و تحصیل امور را باید از

آن جست. قرآن تمییز دهنده‌ی حق و باطل است و کلامی از روی شوخی نمی‌باشد. ظاهر و باطن دارد، ظاهرش حکم و درونش دانش ژرف است، برونش زیبا و شگفت‌انگیز و درونش عمیق است. قرآن ستارگانی دارد و ستارگانش خود دارای ستارگانی می‌باشند. مسایل اعجاب‌انگیزش به شمارش در نیاید و غریب و عجایبش فرسوده نگردد. چراغ‌های هدایت و مشعل‌های فروزان حکمت در آن است و برای آن کس که با حقایقش آشنا باشد، هدایت به سوی معرفت وجود دارد. نظاره‌گر باید که آن را در چشم‌انداز خویش قرار دهد و نگاه عمیق خود را به آن دوزد تا از هلاکت‌هایی یابد و از بن بست برهد، چرا که تفکر، حیات دل‌بینا است همچنان که طالب نور در تاریکی‌ها با چراغ و نور گام برمی‌دارد. ای مردم! بر شما است که از هلاکت به بهترین صورت‌هایی یابید و در حل مشکلات انتظار را پایان دهید و به قرآن رجوع نمایید» ([629]).

**وَأَمَّا بِالنِّسْبَةِ لِاحْتِمَالِكَ كَوْنِنَا وَهَابِيَّةَ (وَالْعِيَاذُ بِاللَّهِ) فَهُوَ أَمْرٌ عَجِيبٌ، فَهَلِ الْوَهَابِيَّةُ يَدْعُونَ إِلَى أَهْلِ الْبَيْتِ (ع) وَنَبِذَ وَلَعَنَ كُلَّ غَاصِبٍ لَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَهَلْ هُمْ يَدْعُونَ لِمَهْدِيِّ آلِ مُحَمَّدٍ الْغَائِبِ (ع)، وَدَعَا عَنْكَ هَذَا، فَالسَّيِّدُ أَحْمَدُ الْحَسَنُ مِنْ أَشَدِّ الْمُحَارِبِينَ لِلْوَهَابِيَّةِ الْأَرْجَاسِ، وَقَدْ أَصْدَرَ بَيَانًا فِي إِبَاحَةِ دِمَائِهِمْ بَعْدَ اسْتِثْنَائِهِمْ لِأَضْرَحَةِ الْأُمَّةِ (ع) وَدِمَائِ الْأَبْرِيَاءِ مِنْ شِيعَتِهِمْ، فَلَا تَطْلُبُ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ.**

این که احتمال داده‌ای ما وهابی باشیم -و العیاذ باللہ- واقعا جای شگفتی دارد! آیا وهابیت دعوت‌کننده به سوی اهل بیت (ع) و کنار گذاشتن و لعن تمام غاصبانی از اولین و آخرین هستند که حق اهل بیت (ع) را غصب کرده‌اند؟! آیا آنها به مهدی غایب آل محمد (ع) دعوت می‌کنند؟! شما این مطلب را رها کن؛ سید احمد الحسن یکی از بزرگترین ستیزه‌گران وهابیت پلید است. پس از آن که وهابیون مرقد‌های ائمه (ع) را هدف قرار دادند و خون شیعیان بی‌گناه آنها را بر زمین جاری ساختند، ایشان

اعلامیه‌ای در مباح دانستن خون آنها صادر فرمود. حال اکنون دیگر دنبال چه شاهد و برهانی هستی؟!

وأما بالنسبة لعلماء آخر- الزمان وعدائهم للإمام المهدي (ع) فلا تسألني عنهم، وأسأل محمد وآل محمد (ع) فهم أصدق الصادقين:

در خصوص علمای آخرالزمان و دشمنی آنها با امام مهدی (ع)، از من سوال نکن بلکه از محمد و آل محمد (ع) بپرس که ایشان راستگوترین راستگویانند:

عن مالك بن زمرة، قال: (قال أمير المؤمنين (ع): يا مالك بن زمرة، كيف أنت إذا اختلفت الشيعة هكذا - وشبك أصابعه وأدخل بعضها في بعض - ؟ فقلت: يا أمير المؤمنين، ما عند ذلك من خير؟ قال: الخير كله عند ذلك يا مالك، عند ذلك يقوم قائمنا فيقدم سبعين رجلاً يكذبون على الله وعلى رسوله (ص) فيقتلهم، ثم يجمعهم الله على أمر واحد) ([630]).

مالک بن زمره می‌گوید: امیرالمومنین (ع) فرمود: «ای مالک بن زمره! چگونه خواهی بود وقتی شیعیان این گونه اختلاف می‌کنند»، و حضرت انگشتان دو دست مبارکش را در هم کردند. عرض کردم: ای امیرالمومنین! در آن زمان هیچ خیری وجود ندارد. حضرت فرمود: «تمام خیر در آن زمان است. ای مالک! آن موقع قائم ما قیام می‌کند. به سراغ هفتاد نفر که به خدا و پیامبرش دروغ می‌بندند می‌رود و آنها را می‌کشد و سپس خداوند شیعیان را بر یک امر (امام زمان) متحد می‌سازد» ([631]).

وواضح أنّ هؤلاء السبعين الذين يقتلهم القائم (ع) هم فقهاء الشيعة وبسببهم تكون افتراق الشيعة كما تشير إليه الرواية السابقة بحيث عند قتلهم تتوحد الشيعة على أمر واحد، وكذلك تشير الرواية إلى ذلك بقوله (ع): (يكذبون على الله وعلى رسوله) والكذب على الله ورسوله (ص)

يكون بتغيير الدين والفتاوى الضالة والتي يدعون أنها من شرع الله وسنة رسوله (ص) وإلا فعامّة الناس بعيدة عن الإفتاء.

روشن است این هفتاد نفری که قائم (ع) آنها را می‌کشد، فقهای شیعه هستند و به دلیل وجود آنها، بین شیعیان اختلاف و چنددستگی پدید می‌آید، زیرا روایت سابق اشاره دارد بر این که با کشته شدن این عده، شیعه بر یک امر متحد می‌شود. همچنین عبارت «به خدا و پیامبرش دروغ می‌بندند» در روایت، به همین مطلب اشاره می‌کند. دروغ بستن به خدا و پیامبرش، از طریق تغییر دین و صدور فتواهای گمراه کننده‌ای انجام می‌شود که ادعا می‌کنند اینها از شریعت الهی و سنت پیامبرش گرفته شده است؛ و واضح است که عامه‌ی مردم از فتوا دادن به دور هستند!

وعن رسول الله (ص): (سيأتي زمان على أمتي لا يبقى من القرآن إلا رسمه ولا من الإسلام إلا أسمه، يسمون به وهم أبعد الناس منه، مساجدهم عامرة وهي خراب من الهدى، فقهاء ذلك الزمان شر فقهاء تحت ظل السماء منهم خرجت الفتنة وإيهم تعود) [632].

از رسول الله (ص) نقل شده است که فرمود: «زمانی بر امت من خواهد رسید که از قرآن جز خطش و از اسلام جز نامش باقی نمی‌ماند، خود را منتسب به آن می‌دانند در حالی که دورترین مردم از آن هستند، مسجدهایشان آباد اما خالی از هدایت است، فقهای آن زمان شریبترین فقهای هستند که آسمان بر ایشان سایه انداخته است، از آنها فتنه خارج می‌شود و به آنها باز می‌گردد» [633].

وقال تعالى في حديث المعراج عن علماء آخر الزمان: (... قلت: الهي فمتى يكون ذلك - أي قيام القائم (ع) - فأوحى اليّ عز وجل: يكون ذلك إذا رفع العلم وظهر الجهل وكثر القراء وقل العمل وكثر الفتك وقل الفقهاء الهادون وكثر فقهاء الضلالة الخونة ...) [634].

و خداوند متعال در حدیث معراج درباره‌ی فقهای آخرالزمان می‌فرماید: «... گفتیم: خداوند! آن موقع (یعنی قیام قائم(ع)) چه وقت خواهد بود؟ خداوند عزوجل به من وحی فرمود: هنگامی که علم برداشته شود و جهل ظاهر گردد، قاریان فراوان شوند و عمل اندک، کُشت و کشتار فراوان شود و فقهای هدایت‌گر اندک در حالی که فقهای گمراهی خیانت‌کار فراوان گردند...» ([635]).

وقال الإمام علي (ع) عنهم في خطبة له: (... تميل الفقهاء إلى الكذب وتميل العلماء إلى الريب، فهناك ينكشف الغطاء من الحجب وتطلع الشمس من المغرب، هناك ينادي منادٍ من السماء: اظهر يا ولي الله إلى الأحياء، وسمعه أهل المشرق والمغرب فيظهر قائمنا المتغيب... ثم يرجع بعد ذلك إلى هذه الأمة، شديدة الخلاف قليلة الائتلاف وسيدعو إليه من سائر البلاد الذين ظنوا أنهم من علماء الدين الفقهاء اليقين والحكماء والمنجمين والمتفلسفين والأطباء الضالين والشيعية المذعنين، فيحكم بينهم بالحق فيما كانوا فيه يختلفون ويتلوا عليهم بعد إقامة العدل بين الأنام: (وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ)) ([636]).

امام علی(ع) درباره‌ی آنها در خطبه‌ای می‌فرماید: «... فقها به کذب و دروغ متمایل می‌شوند و علما به شک و گمانه‌زنی، در آن هنگام پرده از حجاب‌ها برداشته می‌شود و خورشید از مغرب طلوع می‌کند، در آن هنگام منادی از آسمان ندا می‌دهد: ای ولیّ خدا! به سوی زندگان ظاهر شو، و اهل مشرق و مغرب آن را می‌شنوند و قائم غایب ما ظاهر می‌گردد... سپس بعد از آن به این امت باز می‌گردد، اختلافات شدید، هم‌بستگی اندک و از سایر بلاد به سوی او فراخوانده می‌شوند؛ کسانی که گمان می‌کنند عالمان دین، فقهای بایقین می‌باشند و (همچنین) حکما، ستاره‌شناسان، فیلسوفان، اطبای گمراه و پیروان دروغین. پس بین ایشان بین آنچه اختلاف می‌کردند، به حق داوری می‌کند و پس از برپاداشتن عدالت بین مردمان، برای ایشان

قرائت می کند: «(و ما به ایشان ستم نکردیم بلکه خود به خویشان ستم روا داشتند)»  
«[637].»

و عن الإمام الباقر (ع) أنه قال: (يكون في آخر الزمان قوم يتبع قوم  
مراؤن يتقرون ويتنسكون حدثاء سفهاء لا يوجبون أمراً بمعروف ولا  
نهيّاً عن منكر إلا إذا أمنوا الضرر يطلبون لأنفسهم الرخص والمعاذير،  
يتبعون زلات العلماء وفساد علمهم ... )([638]).

و از امام باقر(ع) نقل شده است که فرمود: «در آخرالزمان از قومی تبعیت خواهد شد  
که گروهی از آنها ریاکارند و به عبادت و زهد می پردازند، بدعت گزارانی سفیه اند که امر  
به معروف و نهی از منکر نمی کنند مگر وقتی که از ضرر و خطر ایمن باشند، برای (فرار  
از تکلیف) به دنبال بهانه و راه گریز می گردند، از لغزش و فساد عالمان پیروی  
می کنند...»([639]).

و عن رسول الله (ص): (يكون في آخر الزمان رجال يختلون الدنيا  
بالدين، يلبسون للناس جلود الضأن، ألسنتهم أحلى من العسل وقلوبهم  
قلوب الذئاب، يقول الله تعالى: أبي تغترون أم علي تجتروون، فبي حلفت  
لأبعثن على أولئك منهم فتنة تذر الحليم فيهم حيران)([640]).

از رسول خدا(ص) نقل شده است که فرمود: «در آخرالزمان مردمانی خواهند بود که  
دین را با دنیا تباه می کنند، برای (فریب) مردم لباس میش بر تن می کنند، گفتارشان  
شیرین تر از عسل است در حالی که قلبهای گرگ دارند. خداوند متعال می فرماید: آیا  
مرا فریب می دهید یا بر من جرأت پیدا کرده اید، به خودم سوگند بر آنها فتنه ای از  
خودشان برمی انگیزم که افراد بردبار در آن سرگردان شوند»([641]).

و عن أبي عبد الله (ع): (... ورأيت الفقيه يتفقه لغير الدين، يطلب الدنيا والرئاسة.... ورأيت المنابر يؤمر عليها بالتقوى ولا يعمل القائل بما يأمر ... )([642]).

ابو عبدالله (ع) فرمود: «... و می بینم فقیه برای غیر دین تفقه می کند و طالب دنیا و ریاست آن می باشد... و می بینم منبرهایی که در آنها به تقوی امر می شود در حالی که گوینده به آنچه امر می کند، عمل نمی کند...»([643]).

و عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع): (... فعند ذلك تأخذ السلاطين بالاقاويل، والقضاة بالبراطيل، والفقهاء بما يحكمون بالتأويل، والصالحون يأكلون الدنيا بالدين... )([644]).

از امیرالمومنین (ع) نقل شده است که فرمود: «... پس در آن هنگام پادشاهان سخنان باطل می گویند و قضات رشوه گیرند و فقها به تاویل حکم می کنند و (به ظاهر) صالحان، از دین، دنیا را می جویند...»([645]).

و عن رسول الله (ص): (... تكون (أي الساعة) عند خبث الأمراء، ومداهنة القراء، ونفاق العلماء... )([646]).

رسول الله (ص) فرمود: «... آن روزگار هنگامی است که حکمرانان آلوده و پلید باشند، قاریان به سازش با بدکاران برخیزند و دانشمندان در گردونه ی نفاق قرار گیرند...»([647]).

و عنه (ص) ، أنه قال: (سيأتي على الناس زمان، بطونهم آلهتهم، ونساؤهم قبلتهم، ودنائيرهم دينهم، وشرفهم متاعهم، ولا يبقى من الإيمان إلا اسمه، ومن الإسلام إلا رسمه، ومن القرآن إلا درسه،

مساجدهم معمورة من البناء، وقلوبهم خراب عن الهدى، علماؤهم أشر خلق الله على وجه الأرض...»([648]).

رسول الله(ص) فرمود: «زمانی می‌رسد که مردم، شکم‌هایشان خدایشان، زانانشان قبله‌شان، دینارهایشان دینشان، شرفشان متاعشان می‌باشد و از ایمان جز اسمش و از اسلام جز رسمش و از قرآن جز لغاتش باقی نمی‌ماند. مسجدهایشان بنایی آباد و زیبا دارد و قلب‌هایشان خالی از هدایت است. علمایشان شیرترین خلق بر روی زمین هستند...»([649]).

وعنه (ص): (يأتي زمان على أمتي، أمراؤهم يكونون على الجور، وعلماؤهم على الطمع، وعبادهم على الرياء...)([650]).

و همچنین رسول الله(ص) فرمود: «زمانی بر امت من می‌رسد که امرایشان به ستم و عالمانشان به طمع و عابدینشان به ریا رفتار می‌کنند...»([651]).

وعن الإمام الحسن العسكري (ع)، أنه قال لأبي هاشم الجعفري: (يا أبا هاشم، سيأتي زمان على الناس وجوههم ضاحكة مستبشرة، وقلوبهم مظلمة متكدرة، السنة فيهم بدعة، والبدعة فيهم سنة، المؤمن بينهم محقر، والفاسق بينهم موقر، أمراؤهم جاهلون جائرون، وعلماؤهم في أبواب الظلمة [سائرون]، ... علماؤهم شرار خلق الله على وجه الأرض؛ لأنهم يميلون إلى الفلسفة والتصوف، وأيم الله إنهم من أهل العدول والتحرف، يبالغون في حب مخالفينا، ويضلون شيعتنا ومواليينا، إن نالوا منصباً لم يشبعوا عن الرشاء، وإن خذوا عبدوا الله على الرياء، ألا إنهم قطاع طريق المؤمنين، والدعاة إلى نحلة الملحدين، فمن أدركهم فليحذرهم، وليصن دينه وإيمانه، ثم قال: يا أبا هاشم، هذا ما حدثني أبي، عن آبائه جعفر بن محمد (ع)، وهو من أسرارنا، فأكمته إلا عن أهله) ([652]).

از امام حسن عسکری (ع) نقل شده است که فرمود: «ای ابا هاشم، زمانی بر مردم می‌رسد که صورت‌هایشان شاد و خندان است اما قلب‌هایشان سیاه و کدر، سُنّت برایشان بدعت و بدعت برایشان سنت است، در بینشان مومن تحقیر و فاسق بزرگ داشته می‌شود، فرمانروایانشان جاهلان ستمگر و عالمانشان (سیرکننده) در وادی‌های ظلمت و تاریکی هستند.... علمایشان شریرترین خلق خدا بر زمین هستند چرا که آنها به فلسفه و تصوف متمایل می‌شوند، به خدا سوگند که آنها اهل تحریف و عدول (از حق) می‌باشند، در محبت مخالفین ما مبالغه و شیعیان و دوست‌داران ما را تباه می‌کنند، اگر به منصبی دست یابند از رشوه سیر نمی‌شوند و اگر لازم باشد خدا را به ریا عبادت می‌کنند. آگاه باشید که ایشان قطع‌کننده‌ی طریق مومنان و دعوت‌کنندگان به گروه ملحدان می‌باشند. هرگاه آنها را درک کردید، از ایشان دوری کنید تا دین و دنیایتان آسوده گردد. سپس فرمود: ای ابا هاشم، این کلامی بود که پدرم از پدرانش جعفر بن محمد (ع) به من نقل کرد و این از اسرار ما است که از نااهلش کتمان می‌نماییم».

**وعنه (ص): (سیأتي. في. آخر. الزمان علماء يُزهدون في. الدنيا ولا يزهدون، ويُرغبون في الآخرة ولا يرغبون، وينهون عن الدخول على الولاة ولا ينتهون، ويباعدون الفقراء، ويقربون الأغنياء، أولئك هم الجبارون أعداء الله) [653].**

و همچنین رسول الله (ص) فرمود: «در آخرالزمان علمایی خواهند آمد که در دنیا به زهد شناخته می‌شوند در حالی که زاهد نیستند و در ظاهر مایل به آخرت‌اند در حالی که هیچ رغبتی به آن ندارند و از حکمرانی در ولایت‌ها نهی می‌شوند در حالی که وارد می‌شوند، از فقرا دوری می‌جویند و همنشین ثروتمندان‌اند؛ آنها دشمنان ستمگر خداوند هستند» [654].

وعنه (ص): (ويل لأمتي من علماء السوء، يتخذون هذا العلم تجارة يبيعونها من أمراء زمانهم ربحا لأنفسهم، لا أربح الله تجارتهم) ([655]).

و از ایشان (ص) نقل شده است که فرمود: «وای بر امت من از علمای بدکاره، علمشان مال التجاره‌ای است که با آن از حاکمان برای خود خرید می‌کنند و تجارتشان در راه خداوند نیست» ([656]).

وعنه (ص): ( لا تقوم الساعة حتى يبعث الله أمراء كذبة، ووزراء فجرة، وأمناء خونة، وقراء فسقة، سمتهم سمت الرهبان، وليس لهم رعية (أو قال رعة) فليلبسهم الله فتنة غبراء مظلمة، يتهوكون فيها تهوك اليهود في الظلم) ([657]).

و از ایشان (ص) نقل شده است که فرمود: «ساعت (قائم) برپا نمی‌شود تا خداوند امیرانی دروغ‌گو، وزیرانی فاسد، امینانی خیانت‌کار، قاریانی فاسق را برانگیزد. متمایل به راهبان هستند و با رعیت کاری ندارند. خداوند آنها را با فتنه‌ای تاریک می‌پوشاند که مانند یهود در ظلمت و تاریکی سرگردان شوند» ([658]).

وعن أمير المؤمنين (ع)، يقول: (كنا جلوساً عند النبي (ص) وهو نائم ورأسه في حجري، فتذاكرنا الدجال فاستيقظ النبي (ص) محمراً وجهه، فقال: لغير الدجال أخوف عليكم من الدجال الأئمة المضلون ...) ([659]).

از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که فرمود: «نزد پیامبر (ص) نشستیم بودیم که ایشان خوابیده بود در حالی که سرش در دامن من بود، ذکر دجال به میان آمد. حضرت (ص) در حالی که صورتش سرخ شده بود بیدار شد و فرمود: بیش از دجال از شما هراسانم، از امامان گمراه‌کننده‌ی دجال....» ([660]).

و عنه (ص): (.....) يا ابن مسعود، علماؤهم وفقهاؤهم خونة فجرة،  
ألا إنهم أشرار خلق الله، وكذلك أتباعهم ومن يأتيهم ويأخذ منهم ويحبهم  
ويجالسهم ويشاورهم أشرار خلق الله يدخلهم نار جهنم، (صُمْ بَكُمْ عُمِي  
فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ) ([661]).

همچنین رسول الله (ص) فرمود: «.... ای ابن مسعود، علما و فقهائشان فاجرهای  
خائن اند. بدان که آنها شریرترین مخلوقات خداوند هستند و پیروانشان و کسانی که به  
سمت آنها می‌روند و از آنها دریافت می‌کنند و آنها را دوست دارند و با ایشان همنشین  
می‌شوند و از آنها مشورت می‌گیرند نیز شریرترین خلق خدا هستند که خداوند آنها را به  
جهنم وارد می‌کند: « کر و کور و لال اند و بازگشتی ندارند » ([662])

(وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيًّا وَبُكْمًا وَصُمَّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ  
كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا) ([663]).

« و در روز قیامت در حالی که چهره‌هایشان رو به زمین است، کور و لال و کر  
محشورشان می‌کنیم و جهنم جایگاه آنها است که هرچه شعله‌ی آن فرو نشیند  
بیشترش می‌افروزیم » ([664]) ،

(كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ) ([665]).

« هرگاه پوست تنشان بپزد پوستی دیگرشان دهیم، تا عذاب خدا را بچشند » ([666])

(إِذَا أُلْفُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ \* تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ)  
([667]).

« چون در آن افکنده شوند، به جوش آید و بانگ زشتش را بشنوند \* نزدیک است که

از خشم پاره پاره شود» ([668])

**كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ  
الْحَرِيقِ** ([669]).

« هرگاه که بخواهند از آن (عذاب)، از آن اندوه بیرون آیند، بار دیگر آنان را به آن بازگردانند که: بچشید عذاب آتش سوزنده را » ([670]).

**لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ** ([671]).

« آنان در جهنم فریاد می‌کشند و در آنجا هیچ نمی‌شنوند » ([672]).

**يا ابن مسعود، يدعون أنهم على ديني وسنتي ومنهاجي وشرائعي،  
إنهم مني برآء وأنا منهم برئ.**

ای ابن مسعود، آنها ادعا می‌کنند بر دین من و سنت من و روش و شرایع من هستند، آنها از من بری هستند و من نیز از آنها برأت می‌جویم.

**يا ابن مسعود، ما بلوى أمتي منهم العداوة والبغضاء والجدال، أولئك  
أذلاء هذه الأمة في دنياهم. والذي بعثني بالحق ليخسفن الله بهم  
ويمسخرهم قردة وخنزير.**

ای ابن مسعود، امت من چه عداوت‌ها و کینه‌ها و جدال‌ها از ایشان خواهد کشید. آنها ذلیل‌ترین این امت در دنیایشان هستند. قسم به کسی که مرا به حق مبعوث نمود، خداوند آنها را خسف خواهد نمود و به صورت میمون و خوک مسخ خواهد کرد.

**قال: فبكى رسول الله (ص) وبكىنا لبكائه، وقلنا: يا رسول الله، ما  
يبكيك؟ فقال: رحمة للأشقياء، يقول الله تعالى:- (لَوْ تَرَى إِذْ فَرَغُوا فَلَا  
قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ) ([673]) يعني العلماء والفقهاء (...)** ([674]).

گفت: سپس پیامبر(ص) گریه کرد و ما نیز از گریه‌ی ایشان به گریه افتادیم و گفتیم: ای رسول خدا، چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: برای رحمت بر اشقیا که خداوند متعال می‌فرماید: « اگر ببینی آنگاه که سخت بترسند و رهاییشان نباشد و از مکانی نزدیک گرفتار شوند » یعنی علما و فقها...»([675]).

**ومن خطبة لأمير المؤمنين (ع) جاء فيها: (وينتقم (أي القائم) من أهل الفتوى في الدين لما لا يعلمون فتعسا لهم ولأتباعهم، أكان الدين ناقصاً فتمموه، أم كان به عوج فقوموه، أم الناس هموا بالخلاف فأطاعوه، أم أمرهم بالصواب فعصوه، أم وهم المختار فيما أوحى إليه فذكروه، أم الدين لم يكمل على عهده فكمّلوه وتمموه، أم جاء نبي بعده فاتبعوه، أم القوم كانوا صوامت على عهده فلما قضى نحبه قاموا تصاغروا بما كان عندهم؟ فهيهات، وأيم الله لم يبق أمر مبهم ولا مفصل إلا أوضحه وبينه حتى لا تكون فتنة للذين آمنوا إنما يتذكر أولوا الألباب. فكم من ولي جحدوه وكم وصي ضيعوه وحق أنكروه ومؤمن شردوه، وكم من حديث...)([676]).**

از خطبه‌های امیرالمؤمنین(ع) که در آن آمده است: «هنگامی که قائم ما ظاهر شود، از کسانی که بدون علم در دین فتوی داده‌اند انتقام می‌گیرد. وای بر آنها و پیروان آنها. آیا دین خدا ناقص بود که آنها تکمیلش کردند؟! آیا در دین خدا انحرافی بود که آنها درستش کردند؟! آیا مردم علاقه به انحراف داشتند که از او پیروی کردند؟! و یا او مردم را به راستی و درستی امر کرده بود و مردم مخالفت ورزیده بودند؟! آیا رسول اکرم(ص) در آنچه به او وحی شده چیزی را فروگذار کرده بود که به او یادآوری کرده‌اند؟! و یا دین در عهد او کامل نبود و اینها تکمیلش کردند؟! آیا پیامبری بعد از رسول اکرم(ص) آمد که از او پیروی کردند. آیا قوم بر عهدش ساکت بودند و زمانی که موعدهشان رسید به پا خواستند و آنچه نزدشان بود را کوچک شمردند؟ هیهات، به خدا

سوگند امر مبهم و مفصلی نماند مگر اینکه روشنش نمودم و واضحش گردانیدم تا فتنه‌ای برای کسانی که ایمان آوردند، باقی نماند و تنها صاحبان خرد هستند که متذکر می‌شوند. چه بسیار اولیایی که با آنها نبرد نمودند و اوصیایی که ضایعشان نمودند و حقشان را انکار نمودند و مومنانی که آواره کردند و چه سخنانی که...» ([677]).

**و عن رسول الله (ص): (تكون في أمتي قزعة فيصير الناس إلى علمائهم فإذا هم قردة وخنزير) ([678]).**

رسول الله (ص) فرمود: «عذابی بر امت من خواهد آمد و مردم به سوی علمایشان می‌روند در حالی که آنها بوزینه و خوک گشته‌اند» ([679]).

**و عن ابن عباس، قال: (تهيج ریح حمراء بالزوراء ينكرها الناس، فيفزعون إلى علمائهم، فيجدونهم قد مسخوا قردة وخنزير تسود وجوههم وتزرق أعينهم) ([680]).**

از ابن عباس نقل شده است که گفت: «تند بادی سرخ که مردم نمی‌شناسند در زوراء برپا شود که مردم با زاری به سوی علمایشان می‌روند، آنان را مسخ شده به صورت بوزینه و خوک می‌یابند با چهره‌هایی سیاه و چشم‌هایی کور» ([681]).

**و عن أبي عبد الله (ع) وقد سئل عن قيام القائم (ع): (إذا كثرت الغواية وقلت الهداية، وكثر الجور والفساد وقل الصلاح والسداد، واكتفى الرجال بالرجال والنساء بالنساء، ومال الفقهاء إلى الدنيا، وأكثر الناس إلى الأشعار والشعراء، ومسخ قوم من أهل البدع حتى يصيروا قردة وخنزير، وقتل السفیانی، ثم خرج الدجال وبالغ في الإغواء والإضلال، فعند ذلك ينادى باسم القائم (ع) في ليلة ثلاث وعشرين من شهر**

رمضان، ويقوم في يوم عاشوراء، فكأنني أنظر إليه قائماً بين الركن والمقام وينادي جبرئيل بين يديه: البيعة لله، فتقبل إليه شيعته) [682].

از ابو عبدالله (ع) از قائم (ع) سوال شد که ایشان (ع) فرمود: «چون گمراهی بسیار و هدایت اندک و ستم و فساد فراوان و صلاح و استواری کم گردد، و هنگامی که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند و فقیهان به دنیا متمایل گردند و شاعران و شعرها در مردم فراوان گردد و اهل بدعت مسخ گردند تا جایی که تبدیل به بوزینه و خوک گردند و سفیانی کشتار کند، سپس دجال خروج کند و در گمراهی و ضلالت مبالغه نماید، در این هنگام به نام قائم (ع) در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان فریاد بلند شود و حضرت در روز عاشورا، قیام فرماید. گویی او را می بینم که بین رکن و مقام ایستاده است و جبرئیل در پیشگاهش ندا می دهد: «البيعة لله» (بیعت فقط از آن خداوند است) و شیعیانش به سوی او رو می کنند» [683].

وقد أكثر لك من الروايات لتكون على بينة من خطوة الأمر، ولماذا يلعن أهل المشرق والمغرب راية الإمام المهدي (ع) عند ظهورها، كما أخبر أهل البيت (ع):

روایات بیشتری را برای نقل نمودم تا روشن کننده‌ی مسیر این امر برای باشد. حال چرا اهل مشرق و مغرب پرچم امام مهدی (ع) را همان گونه که اهل بیت (ع) خبر داده‌اند در هنگام ظهورش لعنت می کنند؟

عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (ع)، يقول: (إذا ظهرت راية الحق لعنها أهل المشرق وأهل المغرب، أتدري لم ذلك؟ قلت: لا. قال: للذي يلقي الناس من أهل بيته قبل خروجه) [684].

از ابو عبدالله جعفر بن محمد(ع) نقل شده است که فرمود: «هنگامی که پرچم حق ظاهر شود اهل مشرق و مغرب آن را لعنت می کنند، می دانی چرا؟ گفتم: نه. فرمود: به دلیل آنچه مردم از اهل بیتش قبل از خروجش دیده اند»([685]).

**وعن أبي جعفر (ع)، قال: (إنّ صاحب هذا الأمر لو قد ظهر لقي من الناس ما لقي رسول الله (ص) وأكثر) ([686]).**

و ابو جعفر(ع) فرموده است: «صاحب این امر هنگامی که خروج کند از مردم به مانند آنچه به رسول خدا(ص) رسیده بود، می بیند، و حتی بیشتر»([687]).

**ومن تدبر في الحديث الآتي يعرف مدى الظلم الذي يتعرّض إليه المؤمنون حقاً في آخر الزمان ومدى تأذي الرسول (ص) من أجلهم:**

کسی که در این حدیث آخر تدبر نماید متوجه ظلمی که مومنان واقعی در آخر الزمان متحمل می شوند همانند آزار و اذیتی که رسول خدا(ع) متحمل شد، می شود:

**عن عمر بن نفيل، قال: سمعت النبي (ص) يقول: وأقبل على أسامة بن زيد، فقال: (يا أسامة، ... وساق الحديث إلى أن قال: ثم بكى رسول الله (ص) حتى علا بكاؤه واشتد نحيبه وزفيره وشهيقه، وهاب القوم أن يكلموه فظنوا أنه لأمر قد حدث في السماء، ثم أنه رفع رأسه فتنفس الصعداء، ثم قال: أوه أوه، بوساً لهذه الأمة، ماذا يلقي منهم من أطاع الله، ويضربون ويكذبون من أجل أنهم أطاعوا الله فأذلوهم بطاعة الله، ألا ولا تقوم الساعة حتى يبغض الناس من أطاع الله ويحبون من عصى الله، فقال عمر: يا رسول الله، والناس يومئذ على الإسلام؟ قال: وأين الإسلام يا عمر، إنّ المسلم كالمغريب. الشريد، ذلك زمان يذهب فيه الإسلام، ولا يبقى إلا اسمه، ويندرس فيه القرآن فلا يبقى إلا رسمه. قال عمر: يا رسول الله، وفيما يكذبون من أطاع الله ويطردونهم ويعذبونهم؟ فقال: يا**

عمر ترك القوم الطريق وركنوا إلى الدنيا ورفضوا الآخرة وأكلوا الطيبات ولبسوا الثياب المزينات وخدمتهم أبناء فارس والروم ... وأولياء الله عليهم الفناء، شجوة ألوانهم من السهر ومنحنية أصلابهم من القيام ... فإذا تكلم منهم بحق متكلم أو تفوه بصدق قيل له: اسكت فأنت قرين الشيطان ورأس الضلالة ...)([688]).

از عمر بن نفیل نقل شده است که گفت: شنیدم که رسول خدا(ص) در حالی که به اسامه بن زید رو کرده بود می فرمود: «ای اسامه، ... و حدیث ادامه می یابد تا آنجا که می گوید: سپس پیامبر(ص) گریه کرد تا جایی که گریه اش شدت یافت و فریاد و ناله اش بلند شد و مردم از این که با وی سخن بگویند ترسیده بودند زیرا فکر می کردند چیزی در آسمان رخ داده است، سپس سرش را بلند کرد و در حالی که آه می کشید فرمود: آه، آه، بدبختی این امت، کسانی که خدا را اطاعت می کنند چه چیزها که خواهند کشید؛ به جهت اطاعت از خدا شکنجه می شوند و تکذیب می گردند و برای اطاعت از خداوند خوار و ذلیل خواهند شد. بدانید و آگاه باشید که ساعت برپا نخواهد شد تا مردم نسبت به کسی که اطاعت خدا را می کند کینه ورزند و کسی که دشمنی با خدا می نماید را دوست داشته باشند. عمر گفت: ای رسول خدا، امروز مردم بر اسلام هستند؟ فرمود: ای عمر، اسلام کجا است؟ مسلمان مانند غریب و آواره است، در آن زمان اسلام می رود و از آن جز اسمش باقی نمی ماند و قرآن کهنه می شود و از آن جز رسمش (لغتش) باقی نمی ماند. عمر گفت: ای رسول خدا، چرا کسی که خدا را اطاعت می کند تکذیب و آواره می کند و عذاب می دهند؟ فرمود: ای عمر، مردم راه را ترک می گویند و به دنیا متمایل می گردند، آخرت را فراموش می کنند، حلال ها را می خورند و لباس های آراسته می پوشند و فرزندان فارس و روم خدمتشان می کنند... و اولیای خدا از دست آنها فنا شده اند، چهره هایشان از شب بیداری اندوهگین و نگران و پشتشان از ایستادن خم گشته است... اگر کسی از آنها به حق سخن بگوید یا با صداقت تفقه

نماید به او گفته می‌شود: ساکت باش که تو همنشین شیطان و سرچشمه‌ی گمراهی هستی....» [689].

وَأَمَّا بِالنِّسْبَةِ إِلَى تَوْجِيهِ الْأَسْئَلَةِ إِلَى السَّيِّدِ أَحْمَدَ الْحَسَنِ، فَالْبَابُ مَفْتُوحٌ وَسَيِّئَاتِيكَ الْجَوَابُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى بَعْدَ أَنْ تَرَسَّلَ أَسْئَلَتَكَ، هَذَا إِنْ لَمْ يَكْفِكَ مَا مَسَطَرَ مِنَ الْأَدْلَةِ فِي كِتَابِ أَنْصَارِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ (ع) وَهِيَ مَوْجُودَةٌ عَلَى مَوْقِعِهِمْ.

بابِ اِرسَالِ سِوَالِ بَرَاءِ سَيِّدِ اِحْمَدِ الْحَسَنِ، بَازِ اسْتِ وِپَسِ اَزْ اَنْ كِهْ سِوَالِ هَايْتِ رَا فَرَسْتَادِي، اِنْ شَاءَ اللّٰهْ جِوَابِ خِوَاهِي گَرَفْتِ. اَلْبَتَّهْ اَيْنِ دَرِ صِوَرْتِي اسْتِ كِهْ اَنْجِهْ اَزْ اَدْلَهْ وَ بَرَاهِيْنِي كِهْ دَرِ كِتَابِ هَايْ اَنْصَارِ اِمَامِ مَهْدِي (ع) نِگَاشْتَهْ شُدَهْ وَ دَرِ سَايْتِ اَنْهَا مَوْجُودِ اسْتِ، شَمَا رَا كِفَايْتِ نَكُنْدِ.

وَسَأَذْكَرُ لَكَ الْاَنَ اَحَدَ اَدْلَةِ السَّيِّدِ أَحْمَدَ الْحَسَنِ مَعَ شَرْحٍ وَاسْتِدْلَالٍ مُخْتَصِرٍ، وَهُوَ دَلِيلٌ (الْوَصِيَّةُ)، فَأَقُولُ: الدَّلِيلُ الْأَوَّلُ: (وَصِيَّةُ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ (ص) لَيْلَةَ وِفَاتِهِ): (بَقِيَّةُ الْكَلَامِ مَذْكَورٌ فِيمَا سَبَقَ).

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)  
الشيخ ناظم العقيلي

اکنون یکی از دلایل سید احمد الحسن - یعنی دلیل وصیت - را به همراه شرح و استدلال مختصر قید می‌کنم و می‌گویم:  
دلیل نخست: وصیت حضرت محمد (ص) در شب وفاتش: (ادامه‌ی مطلب، در پاسخ قلبی آمده است).

هیأت علمی - انصار امام مهدی (ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم عقيلي

\*\*\*\*\*

- [626] الزمر: 37.
- [627] - زمر: 37.
- [628] - الكافي: ج 2 ص 598.
- [629] - كافي: ج 2 ص 598.
- [630] - الغيبة للنعماني: ص 214.
- [631] - غيبت نعماني: ص 214.
- [632] - بحار الأنوار: ج 52 ص 190.
- [633] - بحار الأنوار: ج 52 ص 190.
- [634] - بحار الأنوار: ج 52 ص 171.
- [635] - بحار الأنوار: ج 52 ص 171.
- [636] - إزام الناصب: ج 2 ص 185.
- [637] - إزام الناصب: ج 2 ص 185.
- [638] - تهذيب الأحكام: ج 6 ص 180.
- [639] - تهذيب الأحكام: ج 6 ص 180.
- [640] - العلم والحكمة في الكتاب والسنة - للريشهري: ص 448.
- [641] - علم و حکمت در کتاب و سنت - ری شهري: ص 448.
- [642] - الكافي: ج 8 ص 36.
- [643] - كافي: ج 8 ص 36.
- [644] - مستدرک الوسائل: ج 11 ص 377.
- [645] - مستدرک الوسائل: ج 11 ص 377.
- [646] - معجم احاديث الامام المهدي (ع): ج 1 ص 39.
- [647] - معجم احاديث امام مهدي (ع): ج 1 ص 39.
- [648] - مستدرک الوسائل: ج 11 ص 376.
- [649] - مستدرک الوسائل: ج 11 ص 39.
- [650] - مستدرک الوسائل: ج 11 ص 376.
- [651] - مستدرک الوسائل: ج 11 ص 376.
- [652] - مستدرک الوسائل: ج 11 ص 380.
- [653] - ميزان الحكمة: ج 3 ص 2324.
- [654] - ميزان الحكمت: ج 3 ص 23 و 24.
- [655] - العلم والحكمة في الكتاب والسنة: ص 453.
- [656] - علم و حکمت در کتاب و سنت: ص 453.

- [657] - معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج 1 ص 26.
- [658] - معجم احاديث امام مهدي(ع): ج 1 ص 26.
- [659] - الأمالي - الشيخ الطوسي: ص 512.
- [660] - امالي شيخ طوسي: ص 512.
- [661] - البقرة: 18.
- [662] - بقره: 18.
- [663] - الاسراء: 97.
- [664] - اسراء: 97.
- [665] - النساء: 56.
- [666] - نساء: 56.
- [667] - الملك: 7 - 8.
- [668] - ملك: 7 و 8.
- [669] - الحج: 22.
- [670] - حج: 22.
- [671] - الانبياء: 100.
- [672] - انبياء: 100.
- [673] - سبأ: 51.
- [674] - مكارم الأخلاق: ص 450.
- [675] - مكارم الاخلاق: ص 450.
- [676] - إزام الناصب: ج 2 ص 184.
- [677] - الزام الناصب: ج 2 ص 184.
- [678] - كنز العمال: ج 14 ص 279 ح 38727.
- [679] - كنز العمال: ج 14 ص 279 ح 38727.
- [680] - الملاحم والفتن: ص 283.
- [681] - الملاحم و الفتن: ص 283.
- [682] - معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج 3 ص 490.
- [683] - معجم احاديث امام مهدي(ع): ج 3 ص 490.
- [684] - غيبة النعماني: ص 308.
- [685] - غيبت نعماني: ص 308.
- [686] - غيبة النعماني: ص 308.
- [687] - غيبت نعماني: ص 308.
- [688] - إزام الناصب: ج 1 ص 58، مستدرک الوسائل: ج 12 ص 56.
- [689] - الزام الناصب: ج 1 ص 58 ؛ مستدرک الوسائل: ج 12 ص 56.

